

یا حسین کن مدد تا شوم نوحه گر
 سهم اندوه تو این جهان آن جهان
 در عزای غمت سینه طوفانی است
 شرح غم‌های تو کهکشانشان
 کربلا معنی درد و رنج و بلاست
 کربلا خون کند در دل عاشقان
 کربلا قصه‌ی کاروان غم است
 کربلا یعنی اندوه و آه و خروش
 کربلا سینه‌ها را به آتش کشید
 نیزه‌های عدو بی‌قرارت شدند
 اکبرت اربا اربا شد از تیغ‌شان
 اصغرت کشته شد روی دستان تو
 آسمان خون او را سراسر چشید
 خون اصغر بود خون امضای سرخ
 رزم قاسم، حسن را به یاد آورد
 قاسم کشته‌ی خنجر کینه شد
 زینب مضطرب خون جگر شد حسین
 خواهرت بر سر نیزه دیده سرت
 خون چکان روی نی گیسوی خاکی‌ات
 بر سر نیزه‌ها چون سفر می‌کنی
 جز تو کس بر سر نیزه قرآن نخواند
 جز تو کس خواهرش سر به محمل نزد
 نغمه‌های عزا در دلش دم گرفت
 داغ تو تا ابد مانده در جان ما
 قصه‌ی کربلا قصه‌ی شیون است
 قصه‌ی یک تن و تیر دشمن هزار
 هیبت ساقی و لشکری بی‌حیا
 روبروی حرم خنده‌های عدو
 در خیامت حسین گریه‌ها ناله‌ها
 روضه‌ی کربلا تا به آنجا رسید
 در سرآشوبی سرخ گودال آه
 نقش خاک عزا شد امام شهید
 وامصیبت از این صحنه‌ها ای خدا
 سینه‌ی پاک گل جای یک بی‌حیاست
 خنجری برکشید قصد او خنجرت
 ناله در هستی کل عالم فتاد
 ناگهان کربلا شد پر از زلزله
 سر جدا شد ز تن روی نی جا گرفت
 شعله‌ور شد دل عاشقانت حسین
 عرش حق را شکست زین عزا قائمه
 ما همه شیعیان غرق ماتم شدیم
 بشنو آوازه‌ی مردمان گرایش
 بارالها به حق حسین شهید
 بارالها به دین مبین رسول
 بارالها به ما جرم و عصیان ببخش

ای شه تشنه‌ی خسته‌ی خون جگر
 گریه کن در غمت پهنه‌ی آسمان
 چشم اهل فلک خیس و بارانی است
 حق تعالی بود در غمت نوحه‌خوان
 شعله‌ی غصه از جور اعدا به‌پاست
 تیره گردد ز غم صفحه‌ی آسمان
 کار دلدادگان شیون و ماتم است
 گریه‌ی بچه‌ها را رساند به گوش
 جان آینه‌ها را به آتش کشید
 حمله‌ور سوی حال نزارت شدند
 شیون و گریه برپا شد از تیغ‌شان
 خون فشان شد گلویش به دامن تو
 تا که شد روی دستان سرخات شهید
 خیمه در خیمه مجنون امضای سرخ
 لاله‌ی بی‌کفن را به یاد آورد
 پاره پاره تن از ساغر کینه شد
 در غم هجر تو نوحه گر شد حسین
 همنوا همچنان فاطمه مادرت
 مانده روی زمین جسم افلاکی‌ات
 شیعیان را همه خون جگر می‌کنی
 آیه‌های خداوند سبحان نخواند
 شیون از عمق جان ناله از دل نزد
 تا همیشه برای تو ماتم گرفت
 بی‌قرار از غمت آه سوزان ما
 قصه‌ی زینب و دمدم مردن است
 مشک آب آور و کینه‌ی نابکار
 رزم مردانه و تیغ و جور و جفا
 ظلم دیوانه‌وار قوم بی‌آبرو
 العطش العطش از دل لاله‌ها
 کز نگاه حرم اشک خونین چکید
 بوسه زد بر تن ناوکی روسیاه
 آمده سوی تو شمر پست پلید
 شاهد این غروب زینب و بچه‌ها
 در دل خواهرت و امحمد به‌پاست
 سینه‌زن خواهرت نوحه گر مادرت
 تا که بر خنجرت تیغ کین بوسه داد
 آسمان و زمین خالی از هلهله
 بر سر منبر نیزه ماوا گرفت
 بر سر و سینه زد کاروانت حسین
 شد عزادار تو مادرت فاطمه
 پا به پای نبی یک جهان غم شدیم
 می‌زنند از غمت ناله‌ی دلخراش
 آنکه در خون سرخ شهادت تپید
 این عزاداری از شیعیان کن قبول
 بیش از این بنده را نور ایمان ببخش